

بهموم خوانندگان و نمایندگان محترم

در مدت ده ماهی که مجله ما دوران فترت خود را طر میگرد و بعلی موفق
بشیر آن نبودیم، عده زیادی از خوانندگان و نمایندگان محترم ما این اظهار تأسف
عمیق، مراتب پشتیبانی خود را از این «مجله همامی و دینی» وسیله طوعا و
وتلکرافها و نامهها اظهار داشتند و ما را فریق امتنان ساختند. عدهای نیز
با تصنیف حسابهای عقب مانده خود مربوط بوسیله اشتراک مجله که در این دوران
فترت برای دفتر مجله بسیار پسر ارزش بود ما را با ادامه این خدمت مقدس تشویق
امودند.

ما ضمن تشکر صمیمانه از این خوانندگان و نمایندگان بیدار و با وفا
توجه عموم را با محور زیر جلب میکنیم:

۱- از هموم «نمایندگان» در سراسر کشور و در خارج تقاضا میشود
موزان مصرف خود را هر چه زودتر بدین مجله اطلاع دهند.

۲- نظر باینکه تاخیر پرداخت و اشتراک مضمون سارتهای فراوانی
برای دفتر مجله است، از هموم «نمایندگان محترم» تقاضا میشود که اکیداً

در فروش مجله باور «نسیه» خودداری فرمایند و بجله را بکسانی تحویل کنند
که حداکثر بوجه اشتراک خود را با دریافت شماره چهارم (شماره آینده) بپردازند
از خوانندگان گرامی نیز سواستندیم که با نمایندگان ماسهکاری کنند و در
پرداخت بوجه اشتراک خود تسریع فرمایند و این مسئله علمی دینی را فروزان
نگهدارند.

۳- شماره اول امسال مری است چاپ شده پس از بر طرف شدن موانع
فوراً ارسال خواهد شد، و پیش بینی میشود که موانع آن بزودی بر طرف گردد
(بجای شماره دوم از نام مجموعه حکمت استفاده شد و برای عموم خوانندگان
و نمایندگان ارسال گردید).

۴- از هموم نمایندگان تقاضا میشود حتی الامکان از «تکثیر و شی» خودداری فرمایند

راه و رسم زندگی

خود باختگی

عبدالمجید رشید پور

- نبرد زندگی
- بی ثباتی و تزلزل
- کمبود حس اعتماد

جامهٔ ثبات بر تن کنید و از فرار بپرهیزید
(بفرارنامهٔ تنگ و موجب عذاب الهی است
نسخ الیلافه)

نبرد زندگی

زندگی همانند میدان کارزاری است؛ در صحنهٔ حیات یکی پیروز شده؛ جلوه میبرد؛
دیگری زمین خورد، دچار شکست میگردد. یکی از بدست آوردن پیروزی خندان است،
و دیگری از احساس خواری و ذیوونی در غم و اندوه است. در گوشه و کنار صحنهٔ زندگی،
پیش و نوس هر دو در فاصله کمی از یکدیگر قرار دارند.

حک زندگی یکی از خطرناک ترین مبارزات بشری است، جنگی که پایان آن تا
آخرین لحظات زندگی دوام دارد، و نتیجهٔ نهائی از مبارزه در آخرین ساعات حیات روشن
و مشخص میگردد؛ و پیش از آن بخواب و خواب شبیه فرست.

انسان دنبال زندگی راست و خوشی میگردد؛ برای بدست آوردن این ایده بدبکران
و بجزوه زندگی آمان توجه میکند، خصوصیات هر نوع زندگی را در نظر خود مجسم
و چون ترس یا غم نیست، بدون شک در جدال زندگی عدهای فاتح و پیروز هستند؛ اگر زمین بخورند؛ هر چه
زودتر بیاخته برای خود ادامه میدهند، شکست عزم واراده آنان را استوارتر میسازد؛
اینگونه افراد حلومیروند، از هر مانعی گذشته خود را بدهد برسانند.

بی ثباتی و تزلزل

در برابر این عده افراد قرار گرفته دیگری هستند؛ که همیشه مدای ناله آنها از وضع
زندگی بلند بوده؛ با ناز که چیزی ناراحت شده از زندگی بیزار می گردند. زندگی این نوع
افراد همیشه بیابان و تزلزل همراه است. در محیط اجتماعی، این قسم زندگی فراوان
وجود دارد، شب دروری نیست که ما شاهد جریان تازه نباشیم هر لحظه صحنه دلخراشی بوجود
میآید اما ما را متجاوز خود کشی تر قی فاحشی کرده است؛ عدهای از جوانان تحصیل کرده این
آب و خاک از زندگی سیر شده بخود کشی دست میزنند، یکی در اثر فشار زندگی خود را
میکشد، آن دیگری در برابر یک بی اعتمادی؛ و با مردود شدن در امتحانی خود را کرم

کرده ؛ از همه چیز خود دست می‌شوی ؛ از زندگی و حیات خود هم می‌گذرد ، اندک مطالعه در این اصل اجتماعی بمانی قیامت ! که تاجه حدودی در مودع تربیت و پرورش طبقه جوان مسامحه و کوتاهی شده است ، نیروی ابتکار و فعالیت - در نسل جوان تاجه اندازه ازین رفته و طبقه آینده این آب و خاک ، تاجه میزانی گرفتار پر تو قفس و اسطوانات بیجا شده است .

گم‌بودن حس اعتماد

وقتی دنبال علل این خودباختگی میگردیم ؛ می‌بینیم سهم زیادی از این عقب نشینی‌ها در اثر نداشتن حس اعتماد است ، جهل و نادانی به خاطر روحی و فکری و آشنا نبودن بر وجات ارزنده انسانی بی‌شده که جوان عصر حاضر در اولین برخورد با مشکل زندگی ، در خود احساس ضعف و ناتوانی کرده به عقب می‌گردد ، عقب نشینی می‌کند ، آیا چنین طبقه میتواند ؛ در آینده شش رهبری جامعه را بپذیرد ؛ شکست دلیل ضعف و خواری نیست ؛ بلکه آگاهیها ، علاوه بر اینکه عامل پختگی است ؛ از این گذشته دلیل زنده ای برداشتن هدف و مرام است ؛ زمین خوردن عار و ننگ نیست ، بلکه تنگه در زندگی کردن بی هدف و نداشتن هدف عالی و ارزنده است یک لحظه زندگی که توأم با هدف و مقصد باشد ، از سه سال زندگی بی هدف ارزنده تر است ؛ بسیاری از افراد اجتماع در اثر آشنا بودن با انواع روشی و فکری چنین میندازند که سعادت و خوشبختی گویائی است که در خارج از آستان ؛ وجود دارد ، میگویند ستاره اقبال و شانس در آسمان زندگی هر کسی بدرخشد ؛ چنین کسی سعادت خواهد رسید ، این گونه افراد بجای اینکه بکار و فعالیت پرداخته از نبردهای شکر و انسانی بی‌رمسند گردند ، شب و روز خود را عاطل و باطل نموده ؛ در انتظارند که ستاره ششان بدرخشد

و حال آنکه سعادت زائیده فعالیت و پشتکار انسان است ؛ هر که پیشتر و کامل تر از قوای فکری و روحی استعداد خود برخوردار شود ؛ نزدیک تر خواهد بود . موفق ترین افراد کسانی هستند که به نبردهای بشری آشنا بوده ، و در بهر مدارای آن کوشا تر میباشد . شاید همه ای چنین تصور کنند که نوابغ جهان مردمی پر استعداده و پر عروش بوده اند ؛ و حال آنکه مطالعه احوال اینگونه مردان میرساند ؛ که بسیاری از این نوابغ از نظر عروش و استعداد و حافظه شاید از مردم متوسط هم پایین تر بوده اند ، ولی یگانه عاملی که باعث پیشرفت آنان گردید ، این نکته بود که این گونه افراد یارزشهای روحی و فکری خود واقف شده ؛ با پشتکار طاقت فرسانی دنبال خواسته خود دیده اند ، و مشکلات علاوه بر اینکه مانع پیشرفتشان نشده ، بلکه بر تسهیم و اراده آنان افزوده است . پدیده اسلام غیر مایه ؛ « عن جد و جید » هر که سعی و کوشش کند مسلماً بمقصود خود خواهد رسید .

اسلام سعادت را بر پایه کار و کوشش قرار داده ؛ و خوشبختی و سعادت را از آینده نخب و فعالیتها میداند ؛ خداوند میفرماید ؛ « و ان لیس للانسان الا ما سعی » و ان سعی و سعی یعنی انسان جز به نتیجه کوشش خود نخواهد رسید و پاداش کوشش های خود را هر کسی بزودی خواهد دید .